

وقف نامه مدرسه مریم بیگم

عفت خوشنودی^۱

چکیده:

انسان موجودی است اجتماعی که رشد و تکامل آن در گرو زندگی جمعی و تعاون و همکاری با دیگر هم‌نوعانش می‌باشد.

وقف نمونه‌ای از این تعاون و همکاری است که در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام به آن اهتمام ویژه‌ای داده شده است.

بامروری کوتاه بر موقوفات ایران، به این موضوع پی می‌بریم که بیشتر موقوفات ایران مربوط به دوره صفویان بوده و چون اصفهان در این دوره پایتخت بوده است؛ بیشترین آثار موقوفه در این شهر به چشم می‌خورد و غالب توجه اینکه حدود یک سوم موقوفات آن زمان؛ مربوط به زنان بوده که این نشان دهنده‌ی میزان علاقه و مشارکت زنان آن عصر به انجام امور خیریه و خداپسندانه است. ما در این مقاله ابتدایه معرفی یکی از این بانوان خیر و انسان دوست به نام «مریم بیگم» پرداخته و سپس یکی از موقوفات این بانوی خیر را با عنوان: «مدرسه‌ی مریم بیگم»، بررسی خواهیم نمود.

کلیدواژه‌ها:

وقف، زنان واقف، مریم بیگم، مدارس وقفی، مدرسه مریم بیگم، وقف نامه مدرسه مریم بیگم.

مقدمه

آنچه راجع به وقف و آثار موقوفه در عصر اسلامی ایران در حال حاضر وجود دارد بیانگر این مطلب است که این آثار از دوران آل بویه، سلجوقیان و دیلمیان رشد یافته و در دوره صفویان به اوج خود رسیده است. علت رشد فزاینده آثار موقوفه در دوره صفویان رواج و گسترش فرهنگ تشیع در ایران اسلامی می باشد و به علت اینکه پایتخت این دولت اسلامی در شهر تاریخی اصفهان واقع گردیده بود بیشترین آثار موقوفه ای این خاندان در این شهر قرار گرفته است.

بر اساس آمار به دست آمده از میان واقفان دوره صفویان، حدود یک سوم موقوفات مربوط به زنان عصر صفویه است که این امر نشان دهنده کثرت مشارکت زنان اصفهانی در امور خیریه به خصوص سنت حسنه وقف می باشد، و جالب توجه ترین بخش آن مربوط به مدارس است. از زمانی که اصفهان به عنوان پایتخت دولت شیعی مذهب صفوی برگزیده شد، مدارس وقفی بسیاری در این شهر تأسیس گردید. که البته تعدادی از این مدارس تخریب و اثری از آنان باقی نمانده و تعدادی از

رونق افتاده و حالت مخروبه ای دارند و تنها تعداد اندکی از آن مدارس باقی و در زمره مدارس فعال شهر می باشند مثل: مدرسه ی مریم بیگم.

واقف می بایست از توان مالی فراوانی بهره مند می بود تا بتواند علاوه بر هزینه ی ساخت بنا و موقوفاتی که جهت نگهداری آن در نظر می گرفت موقوفاتی را نیز جهت هزینه های گوناگون مانند حق التدریس مدرس، مدد معاش طلاب، حق الزحمه ی خدمه، فرش و روشنایی مدرسه و مسجد آن، هزینه ی تهیه و نگهداری کتاب و غیره را، به این کار اختصاص دهد.

علاوه بر این ها، واقفان مدارس برای برخی مخارج مانند روضه خوانی و اطعام طلاب در ایام سوگواری نیز موقوفاتی را در نظر می گرفتند.

ناگفته نماند که واقفان با شروطی که برای مدرس و طلبه و نیز چگونگی اداره ی مدرسه معین می نمودند، علایق و نظرات خود را بر آن تحمیل و در واقع به لحاظ فکری بر آن اعمال نفوذ می کردند.

برای نمونه، واقف مدرسه ی «مریم بیگم» که از لحاظ فکری تحت تأثیر اندیشه های غالب بر جامعه به ویژه اندیشه های مرحوم مجلسی دوم علیه السلام بود در وقف نامه ی مدرسه مریم بیگم که در سال

شاه عباس اول است. وی نیمه اول قرن یازدهم می زیسته و متولد سال ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ هـ. ق می باشد.

وی از زنان نیکوکار و دانش دوست زمان خود بوده است.^۲

از اقدامات وی در اصفهان تأسیس مدرسه مریم بیگم در محله حسن آباد و مسجد مریم بیگم جنب دروازه دولت (خیابان طالقانی، کوچه مقابل مسجد باب الرحمه) می باشد.^۳

این بانو علاوه بر موارد فوق موقوفات بسیاری برای آبادانی شهر و رفاه طلاب حوزه های علمیه معین کرد.^۴

این بانو به علماء، دانشمندان و آثار آنان ارج می نهاد. چنانکه شیخ رضی الدین محمد بن بهاء الدین محمد بن حسنعلی بن ملا عبدالله ششتری (شوشتری) اصفهانی کتاب «شرح ادعیه السّر» را به جهت او تألیف کرده است.^۵

مدرسه مریم بیگم

۱۱۳ مدرسه مریم بیگم از جمله فضاهاى آموزش علوم دینی در دوره ی صفویه بوده که در دوره ی سلطنت شاه سلطان حسین به وسیله ی مریم بیگم، دختر شاه صفی در سال ۱۱۱۵ هجری قمری در نزدیکی محله خواجه و در مجاورت

۱۱۱۶ هجری قمری بر لوح سنگی حک و در محل مدرسه نصب شده، چنین گفته است: «و باید که کتاب های علوم و همیه، یعنی علوم شکوک و شبهات که به علوم عقلیه و حکمت مشهور و معروف است مثل شفا و اشارات و حکمت العین و شرح هدایت و امثال ذلک به شبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند».

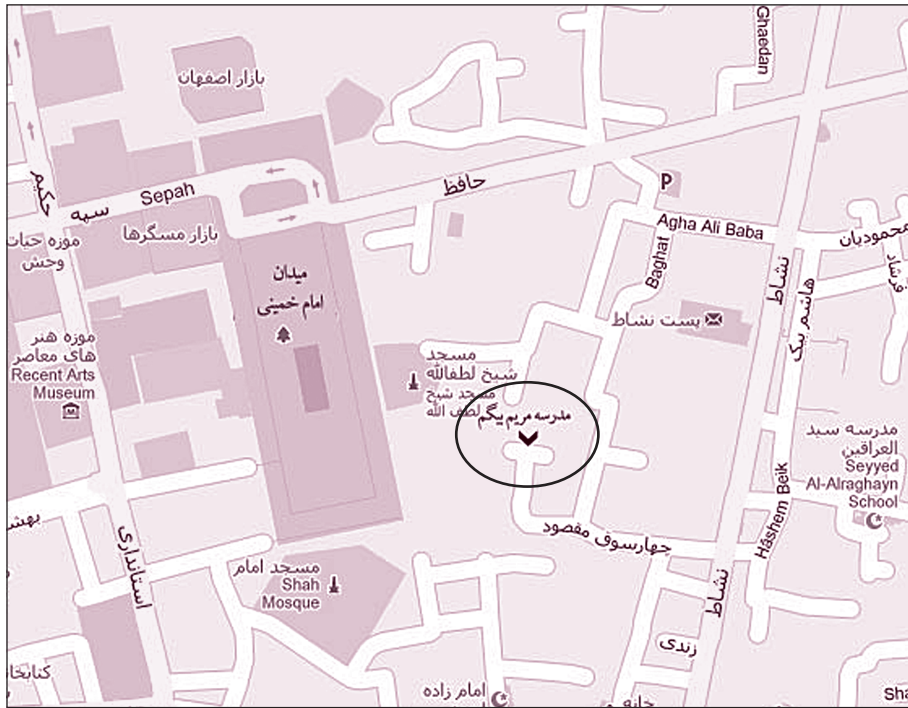
برای فهم هرچه بیشتر موضوع؛ به دلیل موجودبودن متن وقف نامه ی «مدرسه مریم بیگم» و همچنین دایر بودن این مدرسه در حال حاضر (البته نام مدرسه به مدرسه حاتم بیک تغییر نام داده است) پس از معرفی واقف این مدرسه یعنی «مریم بیگم» به معرفی مدرسه و متن وقف نامه آن خواهیم پرداخت.

برای آشنایی بیشتر با زنان خیر و انسان دوست و آثار و وقفی تاریخی آنان، به کتاب «زنان واقف آثار تاریخی اصفهان» که توسط نویسنده ی این سطور، تألیف گردیده مراجعه فرمایید.

مریم بیگم

آثار:

۱. مسجد مریم بیگم
 ۲. مدرسه مریم بیگم
- بانو مریم بیگم دختر شاه صفی جانشین



مدرسه مریم بیگم

مربع و هر ضلع آن ۶۰ متر است.
از این مدرسه جز دو لوح سنگی
مرمری که متمم وقفنامه مدرسه و به خط
علی نقی امامی می باشد، چیز دیگری
باقی نمانده است. کتیبه سر در مدرسه
به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت
لاجوردی چنین ثبت شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم - لقد وقتت
هذه المدرسة المباركة النواب العلیة العالیة
الموفقة لافعال الخیر ابنة السلطان الاعظم
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان
شاه صفی الصفوی الموسوی الحسینی
قدس الله مرقده اعنی ملكة الافاق علی

چهارراه نقاشی به سوی بازارچه حسن
آباد بنا شده است.

این مدرسه در حدود نیم قرن پیش
بر اثر خرابی هایی که در آن راه یافته بود
به طور کلی دگرگون شده و به صورت
دبستان در اختیار اداره فرهنگ اصفهان
قرار گرفت و بعدها نیز به مدرسه راهنمایی
حاتم بیک مبدل شد و هم اکنون نیز در
اختیار مرکز تحقیقات معلمان آموزش و
پرورش اصفهان می باشد. تغییر کاربری
این مکان از مدرسه به مرکز تحقیقات
معلمان (پژوهشگاه معلم)، از ۱۵ سال قبل
صورت گرفته است. این مدرسه به شکل

بعضی اشخاص بعد از مدت پنج سال متعذر یا متعسر باشد یا آنکه در عوض ایشان جمعی متصف به مقامات مذکوره حاضر نباشد باید که تا برطرف شدن عذر در مدسه باشند و نهایت آن تا هفت سال اما بعد از هفت سال البته باید که بدر روند، و بر مدرس آنکه سعی بلیغ کند که جمعی دیگر متصف به صفات مذکوره باشند تحصیل نموده به جای ایشان ساکن سازد و حجره‌های خالی معطل نکند، و هر که بعد از هفت سال یک روز بماند غاصب باشد به غضب خدا و رسول خدا گرفتار شود و باید که کتابهای علوم و همیه یعنی علوم مشکوک و شبهات که به علوم عقلیه و حکمت مشهور و معروف است مثل: شفاء و اشارات و حکمة العین و شرح هدایه و امثال ذلک به شبهه دخول در مقدمات علوم دینی نخوانند و وجه معاش خواه و وظیفه و خواه غیر آنها از هیچ ممری نداشته باشند و باید که مدرس در تمشیت و اجراء امور مزبوره ۱۱۵ اهتمام ورزد...».

کتیبه ایوان شرقی مدرسه مریم بیگم
کتیبه ایوان شرقی مدرسه مشتمل بر
اشعاری بوده که به خط نستعلیق سفید
بر کاشی خشت لاجوردی رنگ چنین

الاطلاق سمیه من افصح عن وصفها الذکر
المبین بکریمه یا مریم ان الله اصطفیک
و طهرک علی نساء العالمین مریم بیگم
لازالت موفقة لخير الدنيا و الاخرة بحق
محمد و عترته الطاهرة علینقی الامامی
۱۱۱۵هـ ق.».

و قسمتی از وقفنامه مدرسه چنین
است: «... علوم دینیه به شروطی چند
که در وقفنامه چه به تفصیل مذکور
و مسطور است و از جمله آن شروط
این است که باید سکنه مدرسه مذکوره
مشغول تحصیل علوم دینی که فقه و
حدیث و تفسیر و مقدمات آنهاست
و صالح و متقی و پرهیزگار و از اهل
قناعت باشند و از زمره ارباب بطالت و
کسالت و شرارت نبوده، حجره خود
را معطل و مقفل نگذارند بلکه شب و
روز در حجره خود به مباحثه و مطالعه
و عبادت مشغول باشند و اگر یک سال
بر احدی بگذرد که ترقی در حال او به
حسب علم و عمل نشده باشد یا مظنون
مدرس شود که قابل ترقی نیست از
مدرسه اخراج نماید و جماعتی که در
عرض یکسال به حسب علم و عمل
ترقی کنند یا مظنون شود قابلیت ترقی
ایشان باید که زیاده از پنج سال در آن
مدرسه ساکن نشوند، اگر احیاناً حرکت

نوشته شده بوده:

والا نژاد گوهر بحرین ملک و دین
 نیکو نتیجه شه رضوان مکان صفی
 مریم بیگم که باد به عمر ابد قرین
 تا ساخته است بهر خدا این بنای خیر
 دارالعیار خانه نقد علوم دین
 ارباب فضل را که تمامی شکفته‌اند
 چون گل شده است غنچه گشای دل حزین
 بحری است این مدینه علم از برای آن
 هر حجره اش بود صدف گوهر یقین
 در گلشن زمانه چو نرگس علم شود
 گل کرده هر که گل زمین
 چون گرد غم زدود ز دل او غبار جهل
 منزل گزیده هر که در این مسکن گزین
 از جان و دل صحیفه نگار دعای اوست
 هر کس در این مکان مشرف شود مکین
 کردم چو نقش‌بندی تاریخ این بنا
 دل گفت این علوم دین
 در طرف راست و چپ ایوان شرقی
 مدرسه در دو لوح مرمین که روز بنا
 نصب شده است چنین نوشته:

لوح اول: «هو المعزّج لت عظمته از
 جمله شروط سکناى مدرسه‌ی مزبوره
 آن است که باید زوجه یا خانه یا پدر
 یا صاحب خانه یا مادر صاحب خانه
 در چهار فرسخی شهر یا زیاده بر چهار

فرسخی داشته باشد باید که ماهی زیاده
 بر دو شب در آنجا نماند می خواهد که
 دو شب را پی در پی بماند می خواهد
 متفرق و هرگاه میسر و مقدورش نشود
 که به شرایط مذکوره عمل نماید باید
 که در این مدرسه سکنی ننماید و
 تظلم نکند که مرا منع می کنند از رفتن
 به خانه خود یا به خانه پدر یا مادر
 یا زوجه خود چه کسی مانع از رفتن
 نشده بلکه منع کردیم او را از ساکن
 شدن در مکان‌های غیر به ناحق چه
 این مدرسه محل و مکان او نیست بلکه
 محل و مکان سکنی آن جماعتی که
 وفا کردن به جمیع شرایط مذکوره میسر
 و مقدر ایشان باشد و هیچ دقیقه‌ای
 از دقایق شرایط از ایشان تخلف نکند
 و تظلم کردن این قسم شخص مانند
 تظلم کسی باشد که بگوید نمی گذارند
 که خانه مردم را غصب کنم و ساکن
 شوم در آن، پس این قسم شخص
 خودش ظالم خواهد بود به صورت
 مظلوم که می خواهد که حق و مال و
 محل سکنی و مأوای موقوف علیهم را
 به ناحق غصب کند و ساکن شود و
 تظلم هم می کند، سنه ۱۱۱۶ هـ.ق».

و در لوح دوم چنین آمده: «چون
 شرایط وقفیه که در کتیبه مدرسه مرقوم

حرجی نیست».

در برخی کتب تاریخی آمده که کتیبه سر در مدرسه در موزه ایران باستان نگهداری می شود و آثاری از کتیبه های تاریخی این مدرسه موجود نمی باشد.^۷ مساحت این مدرسه تقریباً چهار جریب است. مریم بیگم موقوفه بسیاری برای طلبه و لوازم آبادانی آن معین کرده حتی از شهرهایی جز اصفهان نیز ملک خریده و وقف بر آنجا نموده تا جایی که از تبریز و بسطام و قزوین و غیرها موقوفه داشته است.^۸ اگر در حال حاضر آن نهاد آموزشی برپا بود، در زمره بزرگترین مدارس صفوی اصفهان به شمار می آمد. این مدرسه در سال ۱۱۱۵ هـ. ق به واسطه آن بانو در بازار چهارسو نقاشی که در گذشته بازار بزرگی بوده و فعلاً قسمتی از آن به عنوان مقصود بیک باقی مانده، واقع شده است.

عمده ترین علت متروک ماندن این نهاد آموزشی و ویرانی حجره های آن، ۱۱۷ خرابی محلاتی چون خواجو و حسن آباد در عصر قاجار و به دلیل قحطی و امراضی چون وبا دانسته اند.^۹

گشته دو عبارت اجمال دارد لهذا توضیح آن دو عبارت را لازم دانستیم که در اجمال آنها شبهه نکنند؛ اول آنکه نوشته شده که تا هفت سال بیشتر سکنی در مدرسه نکنند و بعد از هفت سال البته باید که بدر روند تفصیل آن اجمال آنکه بعد از هفت سال هرگاه تا شش ماه یا کمتر از مدرسه غیبت اختیار نمایند و بعد از غیبت معاودت به مدرسه نمایند بر ایشان حرجی نیست و توقف ایشان مجدداً تا هفت سال در مدرسه مزبوره مجوز خواهد بود، دوم آنکه نوشته شده که وجه معاشی خواه وظیفه و خواه تعلیم و خواه غیر آنها از هیچ مستمری نداشته باشند مفصل آن. مجمل آن که وظیفه و مواجب و مدد معاش مستمری از جایی دیگر نداشته باشند و اگر مردم از موهبت و عطایا گاهی رعایتی به طلبه مدرسه مزبوره نمایند در اخذ این وجوه مؤاخذه نخواهند بود. فی تاریخ شهر شعبان سنه ۱۱۱۶ هـ ق و همچنین اگر کسی را از طلبه مدرسه مزبوره قدر قلیلی وظیفه باشد که با خراجات او کفاف نباشد و با وجود آن وجه وظیفه در مرتبه استحقاق باقی باشد توقف آن کس در مدرسه مجوز است و بر او

متن وقفنامه مدرسه مریم بیگم

بسم الله الرحمن الرحيم

الواقف على الضماير المطلع على السراير

شاهزاده عالميان عليّة عاليه معاليه مریم بیگم صفویه موسویة حسینیة
لازالت ایام شوکتها و جلالتها دائمة باقیة الی قیام الساعة و ساعة القیام
الحمد لله و کفی سلامه علی عباده الذین اصطفی و بعد غرض اصلی از
انشاء این کلام میمنت انجام خجسته فرجام شریعت انتظام دینی المبدء
و الختام ذکر و بیان این مطلب و مرام است که نواب مستطاب قدسیة
اللقاب قمر نقاب خورشید احتجاب فلکجناب ملکحجاب حواطینت مریم
سیرت زهرا سریرت مشتری رتبت ناهید حشمت زبینه حجال سلطنت و
بختیاری افروزنده حجره عظمت و کامکاری نتیجه دودمان عظیم الشان
صفوی بانوی عرصه جهان بلقیس تختگاه بر و امتنان ملکه الملکات بانیه
الخیرات الجاریات فروغ باصره دین و دولت زیوربخش مسند حشمت و
جلالت ثمره شجره اصلها ثابت و فرعها فی السماء سمیه صدوقه ان الله
اصطفیک و طهرک واصطفیک علی نساء العالمین لایقه سرادقات عظمت و
تمکین ناهجه مناهج اجدادها المعصومین معینه الفقراء و المساکین مغيثة
الضعفاء و المحتاجین عصمة الدنيا و الدین قربة الی الله اعظیم و ابتغاء لفضله
الجسیم وقف مخلد شرعی و حبس موبد دینی گردانیدند: تمامیت پانزده
حبه مفروزه از اصل هفتاد و دو حبه مزرعه معینه موسومه به مزرعه قران از
مزارع سروشفادران کرارج از بلوکات تسعه دارالسلطنه اصفهان را با اراضی و
صحاری و انهار و جداول و مجاری و مزار و مداخل و حرایم و لظایم و شرب
و مشارب و سایر مایتعلق بها شرعاً سیما اراضی موسومه به باغ و خلف
باغ تابعه مزرعه مزبوره بقدره که درینولا بعقود ناقله شرعیه از حاجی رضا
جاری بران بسر کار خیر مدار نواب مستطاب واقفه موقوفه مکرمه مشارالیها
انتقال یافته است. و تولیت این وقف ابدی را به دستور سایر موقوفات عامه
خود در متن عقد وقف مزبور مادام الحیات به جهت خود شرط نموده قرار
دادند و بعد از آنکه نواب قدسیه الالقباق واقفه موفقه معظمه مشارالیها

مراحل عمر طبیعی را طی نمایند تولیت وقف مزبور متعلق باشد به پادشاه عصر و مصرف آن را در متن عقد وقف چنین قرار داده شرط نمودند که مادام تولیت با نواب قدسیه الالقب علیه عالیه بوده باشد هر ساله حاصل و مداخل آن را بعد از وضع مالوجهات و وجوهات دیوانی و خراج سلطانی و مؤنات زراعت و آنچه باعث تکثیر زراعت و موجب توفیر منفعت باشد بدون حق التولیه در مصرف اطعام شیعیان امامیه اثنی عشریه که علی الظاهر مستحق و عارف بر مسائل ضروریه خود باشند در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود واقعه در خارج درب حسن آباد اصفهان و در مسجد خلف منازل خود احیا کرده نواب علیّه عالیّه واقفه موفقه و در خارج مدرسه و مسجد مزبورین در هر جای دیگر که مناسب دانند و در مصرف مراسم تعزیه حضرت خامس آل عبا ابا عبدالله الحسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و به مصارف خیر و برّی که خود مصلحت دانند صرف نمایند و چون نوبت تولیت به متولیان باعز و تمکین سلاطین رسد حاصل و مدخل وقف مزبور را بعد از وضع موضوعات مزبوره و بعد از وضع یک عشر از بقیه آن به حق التولیه و بقیه باقی را در مصارف مزبوره مصرف دارند و توزیع آن بر مصارف مزبوره منوط برای رزین متولی هر عصر باشد و نواب علیه عالیّه واقفه موفقه معظمه معززه مشارالیها چنین مناسب دانستند که هر ساله مبلغ چهار تومان تبریزی از حاصل و مداخل وقف مزبور بعد از وضع موضوعات مزبوره در وجه روضه خوان و جمعی که در پای منبر به مراسم تعزیه شهدای کربلا در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره اشتغال نمایند و بقیه حاصل و مداخل که در بعضی از سنوات هفت تومان و در بعضی از سنوات شش تومان و گاه باشد که زیاده بوده باشد در مصرف اطعام ماه مبارک رمضان بر این موجب داده شود و صیغه شرعیّه بالعربیه و الفارسیه جریان یافت که در مدرسه مذکوره صرف اطعام شود در شب نوزدهم و شب بیست و یکم که در مسجد مذکور صرف اطعام شود در شب بیست و سوم و بیست و هفتم و بیست و هشتم و حصه موقوفه مزبوره را از ملکیت خود اخراج نموده و به عنوان وقفیت و تولیت در تصرف دارند و مباشرین

سر کار خیر مدار خود را مامور ساختند که پانزده حبه مزبوره و توابع آن را به عنوان وقفیت عمل نمایند و وقف لازم شده و من بعد احدی را شرعاً جایز و سایغ و روا نیست که از وقفیت رجوع به ملکیت نماید فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم و کان ذلک فی ۲۵ شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۲۵ هـ.ق.

و ایضاً قربه الی الله تعالی نواب مستطاب علیّه عالیه واقفه موفقه ادام الله تعالی ظلّالها وقف صحیح شرعی فرمودند موازی سه طاق و چهار دانگ و نیم از طاق دیگر از جمله هفت طاق و نیم مشاع از کل سی طاق مزرعه موسومه به مزرعه شمس آباد من مزارع قریه حبیب آباد بر خوار اصفهان را با توابع شرعیه و لواحق ملیه که درین اوقات از آقا ضیاء الدین و آقا رحیم ولدان مرحوم حاجی عبدالله بندار بسرکار نواب واقفه بمبایعه شرعیه منتقل شده بر مصرف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل احیاء کرده نواب واقفه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه مناسب دانند و در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و برّی که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامهچه مرقوم است صرف نمایند بشروط و قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعیه جاری و به تصرف وقف داده مباشرین سرکار خیر مدار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و ید ایشان ید تولیت است نه ید مالکیت و کان ذلک فی ثالث شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۲۸ هـ.ق.

(سجع مهر)

ز صلب شاه صفی تا بسید عالم

رسانده نسبت والای زاده مریم

(مهر)

ناب مستطاب عالیجناب اسلام و اسلامیان ملاذی

(سجع مهر)

افوض امری الی الله عبده محمدباقر بن سید حسین
و ایضاً قربه الی الله اعظیم و ابتغاء لفضله الجسیم نواب مستطاب علیه
عالیه واقفه ادام الله تعالی ظلّالها وقف صحیح شرعی فرمودند همگی و
تمامی یکطاق و پنج دانگ و یک طسوح آن یک طاق دیگر شایع از جمله
هفت طاق و نیم مفروز معین معلوم از کل موازی سی طاق مزرعه معینه
موسومه به مزرعه شمسآباد از مزارع حبیب آباد که در این وقت از محمد
ابراهیم بندار ولد حاجی عبدالله ساکن اصفهان به سر کار خیر مدار ایشان
منتقل شده بود در مصرف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک
رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل احیا کرده نواب واقفه
و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه مناسب دانند و
در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره
و بر مصارف خیر و بری که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به
متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه
در متن و حاشیه همین وقفنامه چه مرقوم است صرف نمایند به شروط و
قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعیه جاری و به تصرف وقف داده
مباشرین سرکار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و ید
ایشان ید تولیت است نه ید مالکیت و کان ذلک فی ثالث شهر شعبان
المعظم سنه ۱۱۲۹

(سجع مهر)

ز صلب شاه صفی تا بسید عالم

رسانده نسبت والای زاده مریم

(مهر)

ناب مستطاب عالیجناب اسلام و اسلامیان ملاذی

(سجع مهر)

افوض امری الی الله عبده محمدباقر بن سید حسین

و ایضاً قربه الی الله العظیم نواب مستطاب علیّه عالیّه واقفه ادام الله تعالی

ظلالها وقف صحیح شرعی فرمودند همگی و تمامی موازی دو حبه تامه شایعه کامله از کل هفتاد و دو حبه تامه شایعه مزرعه معینه معروفه به مزرعه خرم آباد رویدشتین اصفهان را با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه از اراضی و صحاری و نهاری و مجاری و غیرذلک که از آقا محمد ولد مرحوم حاجی ربیع بزاز اصفهانی

ببیع شرعی بسرکار خیر مدار ایشان منتقل شده بود در مصرف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل احیا کرده نواب واقفه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه مناسب دانند و در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و بری که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامه چه مرقوم است صرف نمایند به شروط و قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعیه جاری و به تصرف وقف داده مباشرین سرکار خیر مدار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و ید ایشان ید تولیت است نه ید مالکیت و کان ذلک فی ۱۹ شهر شوال المکرم سنه ۱۱۲۹ هـ.ق. (سجع مهر)

ز صلب شاه صفی تا بسید عالم

رسانده نسبت والای زاده مریم

(سجع مهر)

افوض امری الی الله عبده محمد باقر بن سید حسین و ایضاً قریبه الی الله العظیم نواب مستطاب علیّه عالیّه واقفه ادام الله تعالی ظلالها وقف صحیح شرعی فرمودند همگی و تمامی موازی ده حبه و نیم شایع کامل از کل هفتاد و دو حبه مزرعه معینه معروفه به مزرعه خرم آباد رویدشتین اصفهان را با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه از اراضی و صحاری و نهاری و مجاری و غیرذلک که به موجب دو طغرا قبالچه معتبره بدین موجب که از حاجی محمد علی گیر کیراق ولد حاجی محمد مقیم و

حاجی محمدحسین بزاز ولد مرحوم حاجی زین العابدین حاجی محمد علی مذکور شش حبه و نیم. حاجی محمدحسین مذکور چهار حبه مشاعاً بیع شرعی بسرکار خیر مدار ایشان منتقل شده بود در مصرف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل احیا کرده نواب واقفه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه مناسب دانند و در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و بری که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامه مرقوم است صرف نمایند به شروط و قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعی جاری و به تصرف وقف داده مباشرین سرکار خیر مدار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و ید ایشان ید تولیت است نه ید مالکیت و کان ذلک فی سابع عشرین شهر شوال المکرم سنه ۱۱۲۹ هـ.ق.

(سجع مهر)

ز صلب شاه صفی تا بسید عالم

رسانده نسبت والای زاده مریم

(سجع مهر)

افوض امری الی الله عبده محمدباقر بن سید حسین و ایضاً قربة الی الله تعالی و تقدس نواب مستطاب قدسیة الالقباب علیّه عالیه متعالیه ادام الله تعالی ضلالها وقف صحیح شرعی و حبس موبد ملی فرمودند همگی و تمامی موازی نیم طاق مشاع تام کامل از کل سی طاق مزرعه موسومه به مزرعه شمس آباد من مزارع حبیب آباد بر خوار اصفهان را با توابع شرعیه و لواحق ملیه از اراضی و صحاری و قنوات و انهار و جداول و مجاری و مایتعلق بها شرعاً بقدر الحصة قدیماً و جدیداً که در آن اوان از محمد حسن ولد مرحوم میرزا قاسم حبیب آبادی بسرکار خیر مدار نواب مستطاب معظم الیها بوجه شرعی منتقل شده بود بر مصرف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود

و مسجد خلف منازل احیا کرده نواب واقفه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه مناسب دانند و در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و بری که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامه مرقوم است صرف نمایند به شروط و قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعیه جاری و به تصرف وقف داده مباشرین سر کار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و ید ایشان ید تولیت است نه ید مالکیت وقف لازم شده و من بعد احدی را شرعاً جایز و سایغ و روا نیست که از وقفیت رجوع به ملکیت نماید فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم

و کان ذلک فی سادس عشر من شهر شوال المکرم من شهر سنه
ثلثین و ماته و الف ۱۱۳۰ هـ ق
(مهر)

ز صلب شاه صفی تا بسید عالم

رسانده نسبت والای زاده مریم

و ایضاً قربه الی الله تعالی و تقدموا نواب مستطاب قدسیة الالقب علیّه عالیه متعالیه ادام الله تعالی ظلالها وقف صحیح شرعی و حبس موید ملی فرمودند همگی و تمامی موازی یک طاق شایع کامل از کل اراضی سی طاق مزرعه معنه معلومه به مزرعه شمس آباد من مزارع برخوار، را با توابع عشریه از اراضی و صحاری و انهار و مجاری و شرب و مشاب و غیرذلک بقدر الحصه موازی یک حبه تامه شایعه کامله از کل هفتاد و دو حبه مزرعه فران من مزارع سروشفادران کرارج را با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و انهار و جداول و شرب و مشارب و سایر مایتعلق بها شرعاً، قدیماً و جدیداً به قدر الحصه که در این اوان هر دو رقبه بنهج شرعی ابوطالب نجم ثانی بسرکار خیر مدار ایشان منتقل شده بود در مصرف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل

احیا کرده نواب واقفه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه مناسب دانند و در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و برّی که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامه مرقوم است صرف نمایند به شروط و قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعیه جاری و به تصرف وقف داده مباشرین سرکار خیر مدار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و ید ایشان ید تولیت است نه ید مالکیت و کان ذلک فی ۱۱ شهر ربیع المولود سنه ۱۱۳۱ هـ.ق. (مهر)

ز صلب شاه صفی تا بسید عالم

رسانده نسبت والای زاده مریم

و ایضاً قربه الی الله تعالی و تقدمو نواب مستطاب قدسیة الالقباب علیّه عالیه متعالیه ادام الله تعالی ظلالها وقف صحیح شرعی و حبس موبد ملی فرمودند همگی و تمامی موازی یک طاق شایع کامل از کل موازی سی طاق مزرعه معینه معلومه به مزرعه شمسآباد من مزارع برخوار را با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و انهار و مجاری و شرب و مشاب و غیرذلک بقدر الحصه و موازی یک حبه تامه شاعیه کامله اربابیه از کل هفتاد و دو حبه مزرعه مشخصه مدعوه به مزرعه فران من مزارع سروشفادران کراج را با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و انهار و جداول و شرب و مشارب و سیار مایتعلق بها شرعاً قدیماً و جدیداً بقدر الحصه که در این اوان هر دور قبه بنهچ شرعی بسرکار خیر مدار ایشان منتقل شده بود بر مصرف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل احیا کرده نواب واقفه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه موفقه مناسب دانند و در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و برّی که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از

وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامهچه مرقوم است صرف نمایند به شروط و قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعیه جاری و به تصرف وقف داده مباشرین سرکار خیر مدار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و کان ذلک فی ۲۶ شهر رجب المرجب سنه احدی و ثلثین و مائه و الف من الهجره المبارکه ۱۱۳۱

و ایضاً قربه الی الله اعظیم و ابتغاء لفضله الجسیم نواب مستطاب قمر نقاب قدسیه الالقاب علیّه عالیّه متعالیه ادام الله تعالی ظلالها وقف صحیح شرعی و حبس موبد ملی فرمودند همگی و تمامی موازی دو حبه تامه کامله شایعه اربابیه از کل هفتاد و دو حبه مزرعه فران من توابع سروشفاداران کراچ اصفهان با توابع شرعیه اراضی و صحاری و انهار و مجاری و غیرذلک من المتعلقات بقدر الحصه که در این اوان بمبایعه شرعیه که از عزت پناهان آقاباقر ولد مرحوم حاجی محمدتقی حاری بران و آقا طاهر ولد محمدهادی کزوانی کراچ سرکار خیر مدار معظم الیها ایشان منتقل شده بود بر مصارف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل احیا کرده نواب واقفه موفقه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه موفقه مناسب دانند و در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و بری که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامهچه به شروط و قیود و ارکان مرقومه در متن و حاشیه صرف نمایند و صیغه شرعیه جاری و به تصرف وقف داده مباشرین سرکار خیر مدار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و کان ذلک فی خامس عشر شهر جمیدی الاولی سنه ۱۱۳۱ هـ.ق.

(سجع مهر)

ز صلب شاه صفی تا بسید عالم

رسانده نسبت والای زاده مریم

و ایضاً قربه الی الله تعالی نواب مستطاب علیّه عالیّه واقفه موفقه ادام الله تعالی ضلالها وقف صحیح شرعی فرمودند موازی یک طاق شایع کامل از کل موازی سی طاق کل مزرعه معینه موسومه به مزرعه شمس آباد من مزارع حبیب آباد بر خوار که در این اوقات از حاجی محمد علی اسنجانجانی به سرکار خیر مدار ایشان منتقل شده بود در مصرف اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل احیاء کرده نواب واقفه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه مناسب دانند و در مصرف مراسم تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و برّی که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامه چه صرف نمایند بشروط و قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعیه جاری و به تصرف وقف داده مباشرین سرکار خیر مدار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و ید ایشان ید تولیت است نه ید مالکیت تحریراً فی یوم المبعث سنه ۱۱۲۹ هـ.ق.

(مهر)

هو واقفه ادام الله ضلالها غرض نواب قدسه الالقاب از اطعام است که جمعی البته افطار در آن مجمع بکنند خواه به مطبوخ و خواه بغیر مطبوخ و خواه بعد از افطار در اول شب مطبوخ باشد یا در سحر یا اصلاً مطبوخ نباشد و اگر جمعی افطار در جای دیگر کرده باشند و در آن مجمع حاضر شوند نیز از آن طعام می توانند خورد.

(مهر عبده محمد صالح الحسینی)

و ایضاً قربه الی الله تعالی نواب مستطاب علیّه عالیّه واقفه موفقه ادام الله تعالی ضلالها وقف صحیح شرعی فرمودند موازی یک طاق و پنج دانگ و یکطسوج از طاق دیگر مشاع از جمله هفت طاق و نیم مفروز از کل سی طاق مزرعه شمس آباد من مزارع حبیب آباد بر خوار که در این اوقات بسرکار خیر مدار ایشان از رعایای حیب آباد منتقل شده بود بر مصرف

اطعام شیعیان اثنی عشریه در ماه مبارک رمضان در مدرسه مبارکه خود و مسجد خلف منازل احیاء کرده نواب واقفه و در غیر مسجد و مدرسه در هر جای دیگر که نواب واقفه مناسب دانند و در مصرف تعزیه حضرت امام حسین علیه السلام در ایام عاشورا در مدرسه مزبوره و بر مصارف خیر و بری که خود مصلحت دانند و بعد از انتقال تولیت به متولیان بعد از وضع موضوعات و حق التولیه بقیه را در مصارف مرقومه در متن و حاشیه همین وقفنامه چه مرقوم است صرف نمایند بشروط و قیود مرقومه متن و حاشیه و صیغه شرعیه جاری و به تصرف داده مباشرین سرکار خیر مدار خود را مامور ساخته اند که به وقفیت عمل نمایند و ید ایشان ید تولیت است نه ید مالکیت تحیراً فی ۲۹ شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۲۸ هـ.ق. (سجع مهر)

ز صلب شاه صفی تا بسید عالم
رسانده نسبت والای زاده مریم

بسم الله الرحمن الرحيم
لقد تشرف بسماع الاقرار الشفاهی من النواب العلیة العالیة لازالت موفقة
مویدة بتوفیقات الربانیة و التاییدات الصمدانیة الداعی الدوام الدولة القاهرة
محل مهر شریف عالیجناب علامی فهامی
علامه العلمائی مجتهد الزمانی
محمد صالح الحسینی دام ظلّه العالی
ذامع اصله المرقوم برقمی مطابق موافق و کتب
(مهر)

عبده محمد صالح الحسینی^{۱۰}

نتیجه گیری

وقف یکی از برترین و بادوام ترین مظاهر احسان و نیکوکاری به مردم و خدمت به هموعان و کمک به مصالح جامعه و تنظیم امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. سنت حسنه ای که در سیره ی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی معصومین علیهم السلام هم دیده می شود.

در کشور ما ایران اسلامی این سنت حسنه از دیر باز رواج داشته است و در دوره ی صفویه خصوصا در اصفهان (به دلیل پایتختی آن) آثار موقوفه ی بسیاری به چشم می خورد.

از میان تعداد کثیری از واقفان این دوره، توجه و اهمیت دادن زنان و بانوان صفویه به امر وقف حائز اهمیت است. چنانچه بیش از یک سوم موقوفات این دوره متعلق به بانوان اصفهانی می باشد. این امر نشان دهنده ی

توجه بسیار زنان پایتخت به مسائل اجتماعی و فرهنگی و مذهبی زمان خود بوده که با تخصیص بخش زیادی از دارائی خود برای امور فرهنگی، مذهبی و کارهای عام المنفعه بر روند اجرای این امور تأثیر می گذاشتند.

می توان به جرأت ادعا کرد که موقوفات در هر دوره تأثیر فراوان بر روند رشد اقتصاد و فرهنگ جامعه داشته و دارند و با این دیدگاه چه زنان و چه مردان جامعه ما با الگو قرار دادن این واقفان خیر منجمله «مریم بیگم» که با وقف میزان قابل توجهی از دارایی های خود علاوه بر ماندگاری نام و آثار خود، منشا خیرات و برکات بسیاری در جهت تربیت و پرورش عالمان و دانشمندان بسیاری در مدرسه ی خود گردید؛ نقش بسزایی در رفع نیازها و ضروریات جامعه و همچنین اعتلای دین مبین اسلام و گسترش فرهنگ تشیع ایفا نمایند.



مدرسه دینی مریم بیگم در زمان پهلوی
تخریب و به صورت فعلی درآمد و در
اختیار وزارت فرهنگ قرار گرفت

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابونعیم، حافظ: ذکر اخبار اصفهان، ترجمه دکتر نورالله کسائی، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲. بیک محمدی، حسن: اصفهان و گردشگری، اصفهان، انتشارات: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، سال نشر، ۱۳۸۶.
۳. جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان: تاریخ اصفهان، (تعلیق و تصحیح: جمشید مظاهری)، انتشارات مشعل، چاپ اول ۱۳۷۸.
۴. جابری انصاری، محمد حسن: تاریخ اصفهان و ری، تهران، ناشر عماد زاده، چاپ ۱۳۴۶.
۵. جناب، میر سید علی: الاصفهان (به اهتمام عباس نصر)، اصفهان، انتشارات گلها، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۶. دهشگی، جلیل و جانزاده، علی: جلوه‌های هنر در اصفهان، انتشارات جانزاده، چاپ اول، آذرماه ۱۳۶۶.
۷. دهقان نژاد، فاطمه: بافت قدیم نصف جهان، اصفهان، انتشارات: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶.
۸. دهقان نژاد، مرتضی: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، جلد اول، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، اسفندماه ۱۳۸۰.
۹. رجبی، محمد حسن: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی (از آغاز تا مشروطه)، انتشارات سروش، تهران: ۱۳۷۴.
۱۰. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم: آثار ملی اصفهان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ ۱۳۵۲.
۱۱. ریاحی، محمد حسین: ره آورد ایام (مجموعه مقالات اصفهان شناسی)، اصفهان، انتشارات: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، سال نشر: ۱۳۸۵.
۱۲. ریاحی، محمد حسین: مشاهیر زنان اصفهان (از عصر گذشته تاکنون)، ناشر: روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد استان اصفهان، چاپ اول: آبان ماه ۱۳۷۵.
۱۳. سپینتا، عبدالحسین: تاریخچه‌ی اوقاف اصفهان، انتشارات اداره کل اوقاف استان اصفهان، آبان ماه سال ۱۳۴۶.
۱۴. سجادی نائینی، سید مهدی: کتابشناسی اصفهان، سازمان میراث فرهنگی اصفهان، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۰.
۱۵. شایسته، محمدرضا و قاسمی، منصور: اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی، انتشارات نقش خورشید، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳.
۱۶. شفقی، سیروس: بازار بزرگ اصفهان، اصفهان، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان و مرکز اصفهان شناسی خانه ملل، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۷. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم و حبیبه: زنان نامی در تاریخ فرهنگ و تمدن

- اسلامی (طبقات نسوان)، قم، انتشارات :
نوید اسلام، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲.
۱۸. ملازاده، کاظم و محمدی، مریم: دایره
المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره
اسلامی، انتشارات: سوره، چاپ دوم،
سال ۱۳۷۹.
۱۹. منتظر القائم، اصغر: مجموعه مقالات
همایش فاضل سراب و اصفهان عصر
وی، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان،
زمستان ۱۳۸۲
۲۰. مهدوی، سید مصلح الدین: تاریخ
علمی و اجتماعی اصفهان، جلد دوم، نشر
الهدایه، قم، چاپ اول، ۱۳۶۷
۲۱. مهدوی، سید مصلح الدین: اصفهان
دارالعلم شرق (مدارس دینی اصفهان)،
(تحقیق، تصحیح، اضافات، محمدرضا
نیلفروشان)، اصفهان، انتشارات: سازمان
فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان،
چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۲. مهدوی، سید مصلح الدین: دانشمندان
و بزرگان اصفهان، (تحقیق، تصحیح و
اضافات، رحیم قاسمی و محمدرضا
نیلفروشان) ۲ ج، اصفهان، انتشارات
گلدسته، چاپ اول، ۱۳۸۴
۲۳. میرعظیمی، نعمت الله: اصفهان زادگاه
جمال و کمال، اصفهان، انتشارات گلها،
چاپ اول: بهار ۱۳۷۹
۲۴. میراث جاویدان: فصلنامه‌ی فرهنگی،
تحقیقی، اجتماعی و تاریخی، تهران،
انتشارات: سازمان اوقاف و امور خیریه،
- سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۸
۲۵. میراث جاویدان، فصلنامه‌ی فرهنگی،
تحقیقی، اجتماعی و تاریخی. تهران،
انتشارات: سازمان اوقاف و امور خیریه،
سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۷۹
۲۶. میرباقری، احسان: اصفهان نگین جهان،
تهران، انتشارات: هنر سرای گویا، چاپ
دوم، تابستان ۱۳۸۴.
۲۷. میرعظیمی، نعمت الله: اصفهان زادگاه
جمال و کمال، اصفهان، انتشارات گلها،
چاپ اول، بهار ۱۳۷۹
۲۸. همایی شیرازی، جلال الدین: تاریخ
اصفهان. مجلد ابنیه و عمارات و آثار
باستانی، ج ۳، انتشارات هما، سال
۱۳۸۴
۲۹. هنرفر، لطف الله: آشنایی با شهر تاریخی
اصفهان، اصفهان، انتشارات گلها، چاپ
چهارم، بهار ۱۳۷۶.

پی نوشت

۱. دانشکده معارف قرآنی اصفهان.
۲. ریاحی: مشاهیر زنان اصفهان، ص ۲۵۲.
۳. جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۱۴۰.
۴. رجبی: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی، ص ۲۱۵.
۵. عقیقی بخشایشی: زنان نامی در تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۷۵۷.
۶. شفق: بازار بزرگ اصفهان، ص ۵۱۸.
۷. رفیعی: آثار ملی اصفهان، ص ۳۰.
۸. جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۱۴۰.
۹. ریاحی: مشاهیر زنان اصفهان، ص ۲۵۳.
۱۰. سینتا، عبدالحسین: تاریخچه اوقاف اصفهان